

گفتگوی تجربه به بهرام کلهرنیا

■ زهرا عاصیان / Zahra Asian

An interview of experience with

Bahram kalthornia

بهرام کلهرنیا
متولد ۱۳۳۱ کرمانشاه
لیسانس طراحی و بیکر سازی
فوق لیسانس گرافیک و تصویر سازی
کار طراحی گرافیک و تدریس هنر بدون وقفه
از سال ۱۳۵۱ تاکنون
مشاور و مدیر هنری و پژوهشی سازمان‌ها و موسسات
متفاوت دولتی و غیردولتی و نشریات متفاوت
شرکت در نمایشگاه‌های متفاوت گروهی و برپایی
نمایشگاه‌های فردی

□ انگیزه‌ی شما برای ورود به دنیای گرافیک چه بوده است؟

در سال‌های جوانی انگیزه‌ها جوانانه است. ورود من به دانشکده هنر یک تصادف بود. از همان ابتدا با جدیت مشغول کار شدم و رشته مجسمه سازی را که در آن سالها هیچکس به دلیل سختی‌ها و محدودیت‌هایش در آن شرکت نمی‌کرد انتخاب کردم. به موازات آن بیشتر آموزه‌های گرافیک را نیز همراه با اساتید و دوستانی که در این رشته داشتم پیگیری می‌کردم. در سالهای بعد به دلیل محدودیت‌های ذاتی مجسمه سازی در ایران دوباره به فکر گرافیک افتادم. هم زمان مشتاق بودم بخشی از تجربیات شخصی خود را در روزهای آموزشی به دیگران منتقل کنم. در نتیجه وارد نظام آموزشی شدم. انگیزه‌های اساسی من برای انتخاب گرافیک دیگر دلایل یک جوان نبود. در این دوره بیشتر به سودمندی‌ها، اثرات اجتماعی و اهداف ذهنی جدید می‌اندیشیدم. این بار با آگاهی جدیدی موضوعی را انتخاب کردم که در آن می‌توانستم بیشتر سودمند باشم و به واسطه آن می‌توانستم در جریان تحول و دگرگونی‌های اجتماعی نقش بازی کنم. بعد از سالها کار به یک حرفه‌ای در عرصه آموزش گرافیک تبدیل شدم.

بنابراین انتخاب گرافیک برای من پاسخی بود به نیاز درونی سودمند بودن. گرچه اشتیاق عمیق و پیچیده‌ی خلق اثر هنری موضوع

دیگری است و جذابیتی دیگر!

□ وقتی می‌خواهید طرحی را اجرا کنید یا سفارشی به شما داده می‌شود در اولین مرحله چه کار می‌کنید؟

گفته می‌شود، داستایفسکی نویسنده مشهور وقتی می‌خواست بنویسد، کف پاهای عربانش را روی قالب یخ قرار می‌داده! بین قالب یخ و ایجاد اثر ادبی چه ارتباطی وجود دارد؟ قطعاً هیچ چیز نمی‌توان گفت. من و هر یک از دوستان هنرمند با تکیه بر درونی پیچیده و خاص کارهایمان را شروع می‌کنیم. متوجه شده‌ام وقتی می‌خواهم کاری را شروع کنم ابتدا پیرامون موضوع، ذهن من شروع به فعالیت می‌کند. فعالیتی نیرومند، خود گردان و پیچیده. مدتی گوشه کنارهای کاغذ خطی می‌کنم و یا طرز فکری می‌سازم. تا اینکه یک جایی ناگهان موضوع شکل می‌گیرد. از یک لحظه‌ای به بعد ایده شروع به گسترش دادن خود می‌کند و نظام‌هایی به وجود می‌آید که این نظام‌ها مرا به دنبال خود می‌کشاند. چیزهایی که به وجود می‌آید عملاً قابلیت‌های ارزشمند و قابل دفاعی می‌شوند. وقتی نخستین بخش به وجود آمد، بخش بعدی را مثل قطعه‌ای از یک پازل به دنبال خود می‌آورد. حتی گاهی احساس می‌کنم که این من هستم که در اختیار طرح قرار گرفته‌ام. بیشتر انتظار می‌کشم، انتظار لحظه‌ای که کار، آمادگی خود را پیدا کرده و خودش را به من نشان بدهد.

□ چه شیوه‌هایی را برای بیان مفهوم در گرافیک می‌شناسید و بیشتر از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کنید؟

وقتی از شیوه صحبت می‌کنیم، چیزی شخصی‌تر از سبک در هنر است. شیوه، راه و روش ارائه اثر است، در حالی که سبک ویژگی است که گروهی از هنرمندان را متحد می‌کند و جهان فکری آنها را هم پیمان و یک پارچه می‌سازد. اما در درون آن سبک، هر هنرمند شیوه‌ای مخصوص و منحصر به فرد را ممکن است دارا باشد. یک اثر گرافیکی دارای ویژگی‌هایی چند سویه است و جنبه یک طرفه ندارد. از همان ابتدای شروع

طراحی در برابر هر اثر گرافیکی مخاطبی قرار گرفته، در حالی که در مقایسه نقاش صرفاً به جوهره‌ی درونی حس و عاطفه و تجربه خود مراجعه می‌کند. اما طراح گرافیک باید از همان ابتدا مشخصاً به گروه مخاطبین اثر خود توجه کند، به جهان آنها، نیازمندی‌ها، آرزوها، کمبودها و دیدگاه‌های زیبایی‌شناسانه و نظام اندیشه ایشان. هدف این است که در پایان کار مخاطب آن را درک کند. سویه دوم ماجرا این است که طراح مکلف است نیروی خلاق خود و برخورد آزاد و زنده و پویایی اندیشه‌اش را در اثری که خلق می‌کند بگنجاند. باید چیزی بسازد که در مخاطب دگرگونی ایجاد کند و زندگی او را ارتقاء دهد و این کاری است دشوار. زیرا توده‌های اجتماعی در مقابل نوسازی و دگرگونی مقاوم هستند. سویه بعدی اینکه هر اثر گرافیکی دارای مسائل فنی است. چه در حوزه چاپ چه در سطح نمایش صفحه نمایش دهنده نوری یا سینما و باید به همه اینها توجه داشت. باید کار را به تناسب همی این کارکردها آماده کرد تا نقضی در آن بوجود نیاید.

سویه مهم دیگری که اگر ممکن باشد می‌توان در کار وارد نمود این است که برای ایجاد گرافیک بومی و ایرانی باید با نگاره‌ها و نقش‌ها و نشان‌های فرهنگی قومی خودمان آشنا شویم. پیوند زنده و پویای هر اثر هنری به پیشینه و ریشه تاریخی فرهنگ ملی سبب ارتقای ارزش‌های آن شده و راه‌های ادراک اجتماعی آن را می‌گشاید.

□ روش تجربی استفاده از این ریشه‌های فرهنگی - تاریخی چیست؟ چه منابعی در این عرصه وجود دارد؟

یکی از بیماریهای گرافیک جوان ما امروزه دسترسی سهل و آسان به منابع تصویری است. اینکه طراح می‌تواند به راحتی وارد محیط وب شود و از هر جای جهان اطلاعات تصویری به دست آورد یا از CD و کلیپ‌آرت و ... و به تصویرهای انتخابی چند فیلتر بیفزاید و کار را تمام کند! آن گونه که برخی مدرسان امروزه آموزش می‌دهند! فراوانی دسترسی‌ها سبب شده که جابای بزرگ و

فریبنده آرام آرام شکل بگیرد و تظاهری به ظاهر شکوهمند و زیبا بوجود بیاید که به سرعت می‌تواند بترکد بی آنکه هیچ استخوان بندی درونی داشته باشد. اگر طراح می‌خواهد شکلی را به عنوان یک نشان در جایی به کار گیرد، باید بداند که این نقش در روند دگرگونی تاریخی چه نمونه‌ها و مثال‌های دیگری داشته است. زندگی تاریخی انسان را نمی‌توان به سادگی فراموش کرد. دانش جدید به ما می‌گوید که تمام بنیان‌های تاریخی در ناخودآگاه اجتماعی ما ذخیره شده‌اند. وقتی رنگی را می‌بینیم و حالتی در ما پدید می‌آید، این اتفاق به دلیل وضع شخصی ما نیست بلکه ناشی از اتصال ما به تجربه هزاران ساله انسان از هستی است. اگر در کلاس بسته بندی به دانشجو می‌گوییم که در بسته‌های استوانه‌ای احساسی از حضور مایع وجود دارد درباره‌ی یک ناخودآگاه مشترک اجتماعی گفتگو می‌شود که از مشاهده هزاران ساله و نسل به نسل جهان ناشی شده است. در حجم‌های استوانه‌ای ایده‌ای پیچیده و درونی وجود دارد که القای مفهوم رطوبت می‌کند. ایده‌ای که شاید از حجم گرد میوه‌های آبدار و تنه‌ی درختان ناشی شده است، و شکل بخشیدن به این ایده است که در مخاطب و درباره‌ی موضوع ایجاد آگاهی می‌کند. این گونه است که راه‌های ادراک طبیعی مخاطب از موضوع گشوده می‌شود و بین او و اثر هنری پیوندی واقعی و هدف‌مند شکل می‌گیرد.

□ به نظر شما بهترین ملاک برای ارزیابی یک طرح گرافیک چیست؟

هر یک از ما به جز معیارهای کارکردگرا، معیارهای زیبایی‌شناسانه‌ای هم داریم. بشر سرشتی دارد حامل معیارهای طبیعی زیبایی‌شناسانه. حضور این معیارها درون اثر به آن حالتی فاخر و ارزشمند می‌بخشد. اما در عین آنکه اثر گرافیکی دارای ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه است باید دارای راه حل‌هایی دیگر نیز برای پاسخگویی به موضوع‌های گوناگون دیگر باشد، و این راه حل‌ها توسط طراح به وجود می‌آید. اگر می‌خواهیم با پوستری مخاطبین را دعوت کنیم که «ماشین‌ها را

خاموش کرده و با دوچرخه بیرون بیایید» راه حلی برای بهبود زندگی پیشنهاد داده‌ایم. اگر پوستری ساختیم که از طریق آن مردم ماشین‌هایشان را خاموش کردند، موفق شده‌ایم! اگر پوستری ساخته شد و ایجاد تعهد اجتماعی برای رشد و توسعه کرد، طراح موفق بوده. اما متأسفانه امروزه از نوبی و نمایش جدید آثار گرافیک انتظار غیرعادی داریم. می‌خواهیم کاری کنیم که تا به حال کسی انجام نداده باشد. این شیوه فکری سبب بروز نوعی آنارشی و به هم ریختگی در آثار جدید شده است. متأسفانه در آثار گرافیک پیام، نوبی، زیبایی، عملکرد و توجه به مخاطب همه و همه فدای این نمایش غیر عادی شده است.

□ برای شکل دهی به یک ایده از ابتدای کار تا مرحله اجرا چگونه عمل می‌کنید؟

دانشجویانم را وادار می‌کنم از مسیرهای گوناگون عوامل تصویری را سازمان دهی کنند و متوجه شوند که عوامل تصویری می‌توانند در برخی جاهای کار، کامل‌تر و زیباتر جلوه کرده و در برخی نقاط دیگر نادرست و بی‌تناسب دیده شوند. مفهوم کلمه «نادرست» در اینجا از عدم تناسب، موقعیت‌ها و فضاها ناشی می‌شود. در حقیقت با درکی صحیح از تناسب‌ها، چاپگری‌ها و کاربردها به مهارتی دست می‌یابیم که کارش سازمان‌دهی است. دوستان دانشجو را ملزم می‌کنم با مقوای سفید قابی بسازند و با جابه‌جایی این کادر نسبت به فرم‌ها و تصاویر اطراف، از داخل آن جزئیاتی را ببینند که آن جزئیات دارای یک انضباط گرافیکی باشد و آنقدر این عمل را تکرار کنند که آن مناسبات به مالکیت آنها درآید و تبدیل به بخشی از حس و ذخایر ذهنی آنها شود.

این شیوه آموزشی در تضاد با شیوه‌ای است که با نوک مداد ترسیم می‌شود. کار با هر ابزار ترسیمی شیوه‌کندی است که نظام نهایی خود را نشان نمی‌دهد. در شیوه‌ی پیشین که ذکر کردم از قدم اول ایده نهایی به شکل کلی دیده خواهد شد. یعنی دانشجو موفق می‌شود کلتی از نظام آخر را در کارش به طور ناگهانی و



فقط یک راه حل برای پاسخگویی به موضوع وجود ندارد. و باز این که با این روش دانشجو موفق می‌شود راه و روش شخصی خود را برای ارزیابی و تحلیل فرم‌ها به وجود آورد. در این شیوه موظف کاری کنم که روش کار منجر به حبس دانشجو نشود و در جریان کشف شیوه‌های متفاوت خود را هم بیابد.

□ از یسن مقوله‌های گوناگون گرافیک، به کدام یک گرایش بیشتری دارید؟

همه‌ی مقوله‌های گرافیک به طریقی یک موضوع هستند فقط با نام‌های گوناگون از هم جدا می‌شوند! طراحی نشانه به دلیل پیچیدگی‌هایش و اینکه به نوعی دارای مبارزه‌ی درونی است، خیلی مرا جذب می‌کند. هنگامی که نشانه‌ای ساخته می‌شود، بیننده دست آخر توده‌ای سیاه و سفید می‌بیند، اما برای رسیدن به این فرم ساده و رسا می‌بایست تلاشی جدی و بنیانی انجام دهیم، از طریق تراش دادن، حذف کردن، هرس کردن و سایر کارها نشانی هدف‌مند به وجود می‌آوریم، همان گونه که یک جواهر ساز، هنگامی که

به موضوع نهایی شکل دهم. عین این عمل در کار خودم نیز وجود دارد. من مداد را روی کاغذ نمی‌گذارم که چیزی ترسیم کنم، ایده‌ها به شکل کلی و نهایی به وجود می‌آید. ترجیح می‌دهم انتهایی‌ترین و فرجامین‌ترین شکل کار بوجود بیاید، سپس به تدریج جزئیات را در تناسب به کار شکل دهم. ما باید هوشمند باشیم. جهان، جهان سرعت و موضوع‌های بکر و پرنرژی و دیده نشده است، جهان قطعات کوچک نیست و باید بتوانیم این تغییرات و سرعت دگرگونی‌ها را به موضوعی در روند تجربه و طراحی خودمان تبدیل کنیم.

□ چه شیوه‌ای برای ایجاد خلاقیت در دانشجو به کار می‌برید؟

من دانشجو را به سوی خلاقیت نمی‌برم. دانشجو را به سمت پیدا کردن درک منطقی از سازمان دهی هدایت می‌نمایم و برای این کار میان‌برهایی را به او نشان می‌دهم. درکی از انضباط بخشیدن نزد هر فرد وجود دارد ما در ابتدا باید این درک را توسعه دهیم. دانشجو با دست یافتن به این درک می‌تواند بفهمد که

کامل بیابد و در مرحله بعد برحسب ضرورت با سایر ابزارها چیزهایی را برای تکمیل طرح کم و یا زیاد نماید.

دانشجویان را ملزم می‌کنم که از یک روند جستجو و یافتن پیروی کنند. توجه آنها را به لکه‌ها جلب می‌کنم.

رفتارهای پویاتر و ناگهانی‌تر را توصیه می‌کنم. گاهی وقت‌ها آنها را وامی‌دارم قلم‌های درشت (مثل قلم نقاشان دیوار) را در مرکب و دوده و نفت و مواد غیر قابل مهار وارد کنند و با دست آزاد روی ورق‌های بزرگ شروع به کار کنند. معمولاً ابتدا همه در فشار قرار می‌گیرند اما مجبورند برای مهار ماده سیال و غیر قابل کنترل به کارشان سرعت بخشند و بگذارند اتفاق در کار بوجود آید و انرژی‌های فعال و رفتارهای بسیار نیرومند در کار آزاد گردد. دست آخر چیزهایی که به صورت توده‌های فرم در کار بوجود می‌آید ارزش‌های دیداری قابل اعتنایی خواهند بود. در حقیقت بخشی از انرژی من صرف این می‌شود که روند یافتن را هدایت کنم. مدیریت موضوع را برای رسیدن

می‌خواهد نگرینی روی انگشتری بگذارد، سنگ را آنقدر تراش می‌دهد که دیگر سنگ، سنگ نیست، چون در روند تراش به ذره‌ای پرتلاو از نور تبدیل شده است، اما مخاطبین عادی ارزش‌های زیبایی شناسانه یک نشان را به سادگی دریافت نمی‌کنند.

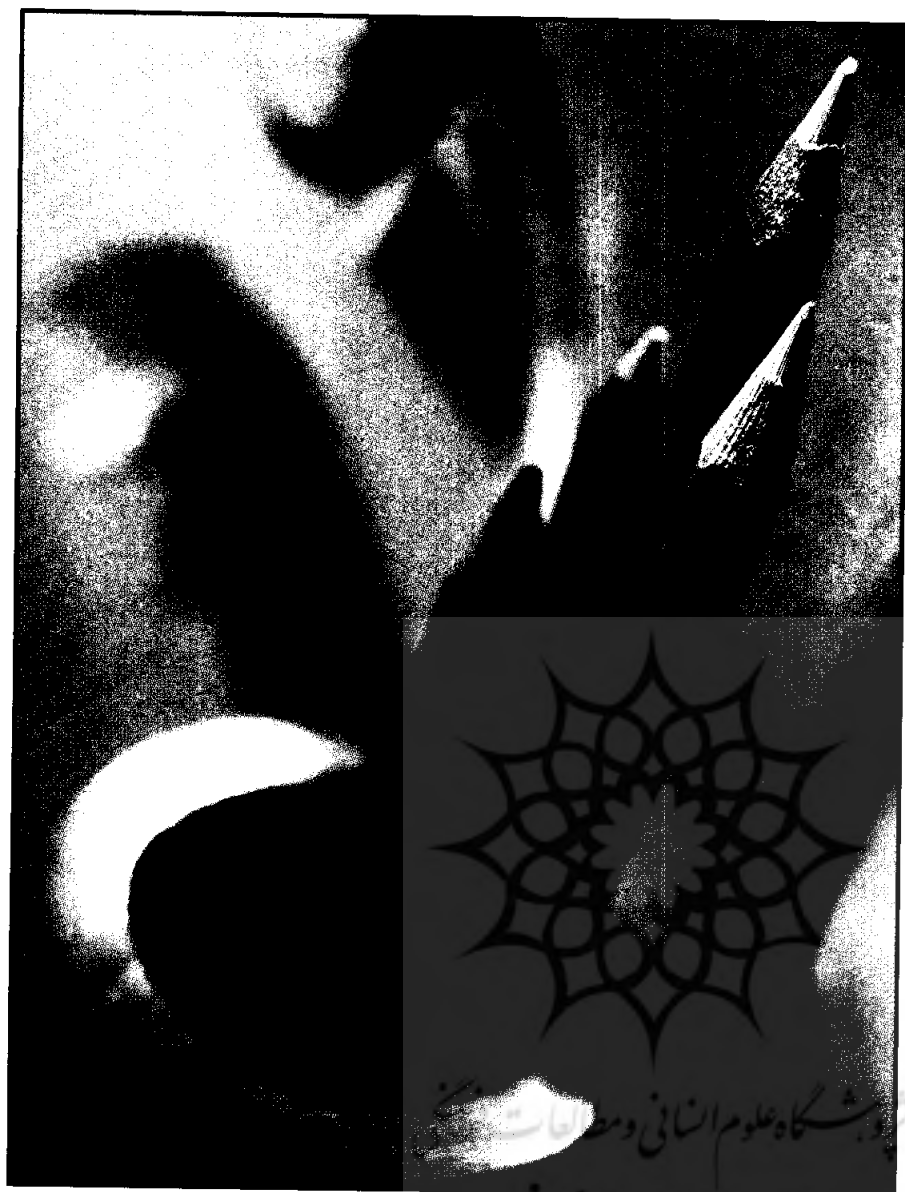
یک نشان خوب باید در محیطی کارکرد گرا قرار گیرد و باید حتماً سودمندی‌های ارتباطی در آن وجود داشته باشد و همه‌ی این‌ها برای من در روند طراحی، ستیزی جذاب و خلاقانه است.

□ چه توصیه‌ای برای جوان‌ترها و کسانی که تازه پا به عرصه این حرفه گذاشته‌اند دارید؟

طراحان جوان باید آگاهی داشته باشند که از طریق ایجاد پیوند با انجمن می‌توانند شرایط ارتقاء وضعیت شغلی خود را فراهم نمایند. استفاده از تجربه‌ها و شیوه عمل‌های طراحان حرفه‌ای که درون انجمن گرد آمده‌اند به عنوان یک ظرفیت سودمند برای طراحان جوان، خردمندانه است.

تدوین کتابچه‌ی تعرفه قیمت‌های آثار گرافیک یکی از سودمندترین کارهایی است که در انجمن صورت گرفته است، مناسبانه طراحان جوان به دلیل شتاب زدگی‌ها و انگیزه‌های تاحدودی ناپخته برای حفظ سفارش، با ندیده گرفتن پیشنهادهای کارشناسانه این کتابچه سطح ارزش گذاری آثار خود را پایین می‌آورند. پیامد این ماجرا دشواری‌های بسیار گوناگون برای خود آنان و همکارانشان به وجود می‌آید که آثار آن تا دوره طولانی گریبان همه را می‌گیرد.

□ این درست است، اما اگر یک جوان تازه کار به اندازه‌ی یک طراح حرفه‌ای با تجربه از سفارش دهنده دستمزد بگیرد طبعاً سفارش دهنده سفارش خود را به طراح حرفه‌ای می‌دهد نه به جوان تازه کار! جوان بخش مهمی از کارش تجربه‌گرایی است. طبیعی است که در ابتدای کار در صورتی که مقایسه شود همکار پرتجربه توسط سفارش دهنده برای انتخاب احتمالاً شانس بیشتری خواهد داشت. در عین آنکه این یک قاعده



در کنار همکاران صنفی‌اش تامین می‌گردد. همراهی کردن با شیوه‌های اخلاقی فعالیت حرفه‌ای سبب گسترش امکانات او و توسعه حمایت سایر همکاران از او می‌گردد.

□ با تشکر از شما که وقت خود را در اختیار فصلنامه قرار دادید. ■

پایدار همیشگی نیست. توصیه‌ام به دوستان جوان این است که در شروع کار و برای آشنایی بیشتر با رفتارهای حرفه‌ای در صورتی که امکان آن را دارند وارد دفتر کار گرافیک شده و دستمزدی کار کنند. اگر نمی‌توانند با جمعی از دوستان خود دور هم جمع شده و از طریق ارتباطاتی که دارند سفارش دهندگان را جلب کنند و ضمن معرفی تعرفه قیمت‌های آثار گرافیک، تلاش کنند با توضیح و شرح به طریقی ضرورت استناد به آن را به سفارش دهنده منتقل نمایند.

جوانی که تازه از مدرسه هنری بیرون آمده است باید بداند که از همان ابتدای کار عضو جامعه‌ای حرفه‌ای است و منافع دراز مدت او